

تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد تنوعات گونه‌ای از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی

شاره مظفری^{۱*}، یحیی مدرسی^۲، آزیتا افراشی^۳، مصطفی عاصی^۴

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

The Impact of Social Factors on the Use of Lectal Variations from a Socio-cognitive Linguistics Perspective

Sharareh Mozaffari^{1*}, Yahya Modarresi², Azita Afrashi³, Mostafa Assi⁴

1. Ph.D. in Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

2. Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

3. Associate professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

4. Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

Received: 2019/10/07

Accepted: 2018/10/29

Abstract

The linguistic behavior of speakers, influenced by social variables such as age, gender, education, and place of residence, in response to the use of lectal variations (regional, Shirazi and standard varieties), leads to favorable and unfavorable responses that result in the formation of social categories from a cognitive perspective. This field of research describes the correlation between social layers and linguistic forms from the viewpoint of usage-based theory in Fars province. The data were collected through a survey including 490 speakers from Shiraz, Marvdasht, Kazeroon, Fasa, Jahrom and several cities around Shiraz. The results of the studied cities show that in terms of age variable, age group of 15 to 30 years more than other age groups, and in terms of gender variable, women more than men, and with regard to education, higher educated groups prefer standard variety in the social domains under study (e.g., family, education, work, street, media, and educated people) over the Shirazi and regional varieties of their city. They use these linguistic forms to express solidarity and indigenous identity in informal social domains with family and acquaintances.

Keywords: Sociolinguistics, Usage-based theory, Social categories, Social variables, Linguistic variables, Lectal variations.

چکیده

رفتار زبانی گویندگان تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت، تحصیلات و شهر محل سکونت در برابر کاربرد تنوعات گونه‌ای (محلی، شیرازی و معیار)، واکنش‌های مساعد و نامساعدی را به دنبال دارد که منجر به شکل‌گیری مقوله‌بندی‌های اجتماعی از دیدگاه شناختی می‌شود. این پژوهش میدانی به توصیف همبستگی بین لایه‌های اجتماعی و صورت‌های زبانی از منظر دیدگاه کاربردبنیان در استان فارس می‌پردازد. داده‌ها از طریق شیوه پیمایشی توسط ۴۹۰ گویشور از شهرهای شیراز، مرودشت، کارون، فسا، جهرم و چند شهر اطراف شیراز گردآوری شده است. نتایج به دست آمده از شهرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که از لحاظ متغیر سن، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال بیش از گروه‌های سنی دیگر و از لحاظ جنسیت، زن‌ها بیشتر از مردها و از لحاظ میزان تحصیلات، گروه‌های تحصیلی بالاتر کاربرد گونه معیار را در حوزه‌های اجتماعی مورد مطالعه (خانواده، آموزش، کار، کوچه و بازار، رسانه و در گفتار افراد تحصیل کرده) بر گونه‌های شیرازی و محلی شهرشان ترجیح می‌دهند. آن‌ها این گونه‌های زبانی را برای ابراز وفاداری و هویت بومی در محیط‌های اجتماعی غیررسمی و در کنار خانواده و آشنایان به کار می‌برند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی شناختی، نظریه کاربردبنیان، مقوله‌بندی‌های اجتماعی، متغیرهای اجتماعی، متغیرهای زبانی، تنوعات گونه‌ای.

*Corresponding Author: Sharareh Mozaffari

Email: sharareh.mozaffari@gmail.com

* نویسنده مسئول: شراره مظفری

مقدمه

تنوعات گونه‌ای (گونه فارسی معیار به‌طور اعم، گونه شیرازی و گونه‌های فارسی شهرهای مورد مطالعه در استان فارس به‌طور اخص که در این پژوهش با گونه محلی شناخته می‌شوند) و مقوله‌بندی‌های اجتماعی کاربرد این گونه‌های زبانی از دیدگاه شناختی است. پرسش‌های مطرح‌شده عبارت‌اند از ۱. آیا رفتار زبانی (ترجیح‌دادن استفاده از گونه زبانی محلی یا معیار) فرد تحت تأثیر عوامل اجتماعی یا شناختی خاصی بروز می‌کند؟ ۲. متغیرهای اجتماعی شهر محل سکونت، جنسیت، سن و تحصیلات چه تأثیری بر میزان کاربرد این گونه‌های زبانی دارند؟ ۳. حوزه‌های گوناگون اجتماعی (خانواده، آموزش، کار، کوچه و بازار، رسانه و گفتار افراد تحصیل‌کرده) چگونه بر کاربرد این گونه‌های زبانی اثر می‌گذارند؟ ۴. احساس وفاداری فرد (در این پژوهش شامل احساس به شهر بومی، تمایل به زندگی در شیراز، تمایل به زندگی در تهران، احساس به همشهری‌های مهاجر به شیراز یا تهران و احساس به گونه محلی است) چه تأثیری بر کاربرد گونه‌های زبانی مورد مطالعه دارد؟

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

این پژوهش بر پایه روش‌های طبیعی و پرسش‌گرانه اجتماعی شناختی به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد گونه‌های زبانی می‌پردازد. لباو (۲۰۱۰) همواره تأکید می‌کند که تغییرات آوایی قابل مشاهده و قابل توصیف‌اند و در نتیجه، رخداد آن‌ها توضیح‌پذیر است. او برای نخستین بار با شیوه‌ای علمی و دقیق و با به‌کارگیری روش اندازه‌گیری کمی به همبستگی میان رفتار زبانی و طبقه اجتماعی افراد پرداخت (مدرسی، ۱۳۸۷). به عقیده لباو (۲۰۱۰: ۱۹۳)، اعضای گروه‌های اجتماعی گونه‌های زبانی معیار و غیرمعیار یک زبان در حین تعاملات زبانی و متغیرهای اجتماعی خاصی را فعال می‌کنند که به ایجاد الگوهای اجتماعی ویژه‌ای منجر می‌شود. به نظر لباو (۲۰۱۰: ۷)، در تفکر زیربنایی زبان‌شناسی اجتماعی، جامعه بر فرد ارجح است زیرا عوامل اجتماعی در تعاملات اجتماعی دخالت کرده و اعضا را از غیراعضا متمایز می‌کند؛ بنابراین، در تحلیل‌های زبانی کافی است رفتار فرد را از طریق مطالعه گروه اجتماعی‌ای که آن فرد عضو است به‌دست آورد. در واقع، اعضای یک جامعه زبانی با ایجاد روابط شناختی گوناگون هم به تعبیر متغیرها و تنوعات دست می‌زنند و هم الگویی را برای جایگاه

زبان‌شناسی اجتماعی شناختی حوزه پژوهشی نوین و در حال شکوفایی است که درصدد گسترش ابعاد تحقیقات اجتماعی شناختی زبان در سطوح کاربردی آن است. پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه به بررسی دیدگاه‌های وسیع و گوناگونی می‌پردازند تا نمونه‌هایی از دو حوزه اجتماعی و شناختی زبان‌شناسی را که با هم تلاقی می‌کنند نشان دهند. این مطالعات بر تنوعات کاربردی‌بانی تأکید دارند که بر پایه روش‌های طبیعی و پرسش‌گرانه اجتماعی شناختی زبان‌شناسی استوارند. این تحقیقات کوشیده‌اند تا جنبه‌های نظری، روش شناختی و توصیفی زبان را با هم بیامیزند. زبان‌شناسی اجتماعی با ارائه روش‌های مؤثر و کاربردی توانسته است همواره توصیف‌های جامعی از تنوعات، هم از دیدگاه کیفی و هم از لحاظ کمی، در اختیار محققان قرار دهد. لباو^۱ (۱۹۸۴) معتقد است با توصیف کردن فرایندهایی که موجب گوناگونی در درون یک جامعه زبانی می‌شوند، می‌توان یک نظریه را بسط داد. از سوی دیگر، گیرارتز^۲ (۲۰۰۱: ۵۳) معتقد است در زبان‌شناسی شناختی کاربرد واقعی زبان نقطه آغاز پژوهش‌های زبانی است؛ او واقعیت‌های شناختی را که در پس این کاربرد زبان قرار دارد بررسی کرده است. او می‌گوید یک مدل کاربردی‌بانی واقعی طبیعتاً شامل نمونه‌هایی از تنوعات اجتماعی است که ما در گفتار واقعی با آن‌ها مواجه می‌شویم. اگر تصور کنیم حرکت روش‌شناسی در زبان‌شناسی شناختی از گفتار^۳ به سمت زبان^۴ باشد، ناگزیر تنوعات زبان‌شناسی اجتماعی باید در گسترده‌ترین مفهومشان در بررسی‌های مربوط به کاربرد واقعی زبان مدنظر قرار گیرند؛ بنابراین اگر جنبه‌های اجتماعی کاربرد زبان را نادیده بگیریم نمی‌توانیم ادعا کنیم زبان‌شناسی شناختی کاربردی‌بانی است و چون زبان‌شناسی شناختی سعی دارد به مطالعه تجربی کاربرد زبان بپردازد، بنابراین زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی مکمل یکدیگرند. کریستیانسن^۵ (۲۰۰۸: ۴۸) که «تنوعات گونه‌ای» را با اصطلاحاتی شامل «گوش»، «گونه»، «گونه اجتماعی»، «گونه کاربردی»، «شیوه گفتار» و نظایر آن در نظر می‌گیرد، به ضرورت وجود نظریه‌ای شناختی برای این تنوعات اشاره می‌کند. هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه

1. W. Labov
2. D. Geeraerts
3. parole
4. langue
5. G. Kristiansen

عوامل اجتماعی در کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس بررسی شود. برای این منظور، نخست چارچوب نظری کریستیانسن (۲۰۰۸) درباره شکل‌گیری مقوله‌های اجتماعی و تنوعات گونه‌ای، زبان را در نظر گرفته‌ایم و با الهام از مطالعات لباو (۱۹۶۶)، به تحلیل همبستگی بین متغیرهای زبانی و مقوله‌های کلان زبان‌شناسی اجتماعی مانند سن، جنسیت، تحصیلات و شهر محل سکونت پرداخته‌ایم. سپس با به‌کارگیری الگوی اجتماعی فیشمن^۶ (۱۹۷۲)، کاربرد زبان در حوزه‌های خانواده، آموزش، کار، کوچه و بازار، رسانه و در گفتار افراد تحصیل کرده بررسی و تحلیل شده است.

تحقیقات چندانی به فارسی درباره این موضوع در دست نیست، اما می‌توان به چند مورد اشاره کرد. ابتدا از مقاله زندی و احمدی (۱۳۹۵) یاد می‌کنیم که با اتخاذ دیدگاه هم‌زمانی به بررسی بُعد اجتماعی و بُعد شناختی نام‌های خاص پرداخته‌اند. مقاله بشیرنژاد (۱۳۹۷) تحلیلی اجتماعی شناختی برای بررسی جایگاه اجتماعی گونه زبانی مازندرانی در حوزه‌های گوناگون در استان مازندران است. در مقاله زندی، بحرینی، سبزواری و مهدی بیرقدار (۱۳۹۷)، تابو و حسن‌تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی از دیدگاه اجتماعی شناختی بررسی شده است. مقاله مدرس و مظفیری (۱۳۹۷) قضاوت‌های مثبت و منفی گویندگان درباره گونه‌های زبانی غیرمعیار و شأن اجتماعی تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس را بررسی کرده است؛ و در نهایت مقاله دبیرمقدم، یوسفی‌راد، شقاقی و متشرعی (۱۳۹۷) به معرفی و تبیین زبان‌شناسی شناختی اجتماعی بر مبنای دو ویژگی بنیادین این دیدگاه یعنی کاربردمحور بودن و تأکید بر تنوعات اجتماعی پرداخته است.

روش پژوهش

جامعه مورد مطالعه: این پژوهش در جامعه فارسی‌زبانان استان فارس و به‌طور مشخص در شهرهای شیراز، مرودشت، کازرون، فسا، جهرم و چند شهر در اطراف شیراز، به‌طور نیمه تصادفی و برحسب آمادگی مشارکان انجام شده است. جامعه نمونه شامل ۴۹۰ گویشور است که از اقشار مختلف، شامل دانش‌آموز، دانشجو، استاد، معلم، کارمند، کسبه، راننده، خانه‌دار و نظایر آن‌اند.

عمومی‌شان در ارتباطات معین طرح‌ریزی می‌کنند (اکرت^۱، ۲۰۱۲: ۱۹).

در نتیجه، رکن اصلی تحقیقات زبان‌شناسی اجتماعی همواره توصیف همبستگی بین لایه‌های اجتماعی و صورت‌های زبانی بوده است تا بتوان روش‌های کیفی و کمی را برای توصیف تنوعات گونه‌ای تبیین کرد (برتل^۲، ۲۰۱۰: ۲۶۷)، اما گیرارتز (۲۰۰۱: ۵۳) معتقد است تنوعات اجتماعی که در گفتار واقعی با آن‌ها مواجه می‌شویم به کمک یک مدل کاربردبنیان قابل‌بررسی‌اند. در آغاز، لنگاکر^۳ (۱۹۹۹: ۳۷۶) بر ضرورت گسترش زبان‌شناسی شناختی به حوزه‌های گفتار و تعاملات اجتماعی تأکید کرد و پس از او، محققان چندی از حوزه زبان‌شناسی شناختی به به‌کارگیری روش‌های تجربی متداول در زبان‌شناسی اجتماعی روی آوردند. مثلاً گیرارتز و کریستیانسن (۲۰۱۴: ۲۱۷-۲۰۲) نشان دادند که ارتباطی گویشی بین ساختار و کاربرد زبان وجود دارد و «نظام زبان» نقطه اشتراک قابل‌مشاهده‌ای است که در رفتار کاربران زبان وجود دارد و نتیجه تعاملات اجتماعی است. اصولاً مردم با تقلید و اقتباس و در مواردی نیز با مخالفت یا تمایل برای متمایز بودن، بر رفتار زبانی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. رویدادهایی که به کاربرد فرد از زبانش مربوط است، در واقع بازنمود ساختار نظام‌مند موجود آن زبان است، اما در عین حال از طریق همین کاربرد فردی است که تغییرات زبانی به ساختار آن منتقل می‌شود. برای شروع فرض می‌کنیم که مفاهیم توسط تنوعات گونه‌ای، که شامل زبان، گویش، لهجه، سبک و گروه اجتماعی و نظایر آن است، ساخته می‌شوند و همگی آن‌ها به‌صورت پایگانی به چارچوب گسترده‌تری تعلق دارند (کریستیانسن، ۲۰۰۸: ۵۳-۵۱). در این صورت اگر اعتبار را ملاک تفکیک بدانیم، گونه معیار که معتبرترین گونه است همسنگ «زبان» در نظر گرفته می‌شود (هادسن^۴، ۱۹۹۶: ۲۴۸)؛ اما برای گونه‌های غیرمعیار نیز می‌توان برای توصیف وابستگی‌شان به گونه معیار از اصطلاحات «ناهمگن» و «مستقل» استفاده کرد (ترادگیل^۵، ۱۹۸۳). در پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر سعی شده است با به‌کارگیری نظریه کاربردبنیان شناختی، تأثیر

1. P. Eckert
2. R. Berthele
3. R. Langacker
4. R. A. Hudson
5. P. Trudgill

بین ۴۰ نفر در چند شهرستان کوچک توزیع، و پس از بررسی و اعمال تغییرات ضروری، نسخه‌های اصلاح‌شده تکثیر شدند. این پرسش‌نامه از چند بخش مجزا تشکیل شده است که شامل اطلاعات فرد شرکت‌کننده و خانواده‌اش، گونه زبانی که در حوزه‌های اجتماعی گوناگون به کار می‌برند، همچنین میزان وفاداری و نگرش آن‌ها به گونه زبانی است (درهمین‌راستا مقاله دیگری با عنوان «تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌ای (لکتال) فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی‌شناختی» تهیه شده است).

متغیرهای زبانی: در این پژوهش، گونه‌های محلی (گونه زبانی شهرهای مورد مطالعه در استان فارس)، شیرازی و معیار فارسی به‌عنوان متغیرهای زبانی وابسته (براساس نظر کریستیانسن ۲۰۰۳: ۶۹-۱۲۰) در نظر گرفته شده‌اند. زبان در آن واحد می‌تواند هم در مقام یک متغیر غیروابسته فعال هویت‌های اجتماعی را بسازد و نقش آن‌ها را تعیین کند و هم در مقام یک متغیر وابسته، همان هویت‌های اجتماعی را منعکس کند.

متغیرهای اجتماعی: متغیرهای شهر محل سکونت، سن، جنسیت و تحصیلات در حوزه‌های گوناگون اجتماعی متغیرهای مستقل در نظر گرفته و بررسی شده‌اند. حجم نمونه مورد بررسی به تفکیک سن، جنسیت و شهر محل سکونت، در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

روش‌های آماری: برای ارزیابی فراوانی کاربرد گونه‌های زبانی مورد مطالعه به تفکیک متغیرهای مستقل سن، جنسیت، تحصیلات و شهر محل سکونت، از آزمون مجذور خی و برای مقایسه میزان کاربرد گونه‌های زبانی مورد مطالعه به تفکیک شهر، از آزمون تک‌بعدی تی استیودنت^۱ استفاده شده است. در مرز شدت پایین، عدد ۳ (گزینه متوسط) به‌عنوان ملاک در نظر گرفته شده و مفروضات آماری زیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی شده‌اند. تفاوت معنی‌داری بین توزیع مشاهده‌شده و مورد انتظار هم توسط آزمون مجذور خی براساس فرضیه‌های زیر صورت گرفته است:

فرضیه صفر: بین توزیع مشاهده‌شده و مورد انتظار تفاوت وجود ندارد. $H_0: \mu = 3$

فرضیه مقابل: بین توزیع مشاهده‌شده و مورد انتظار تفاوت وجود دارد. $H_1: \mu \neq 3$

با استفاده از جدول میانگین، کمترین و بیشترین مقدار مشاهده‌شده بررسی، و با میزان مورد انتظار مقایسه شده است. تعداد افراد آزمودنی در هر شهر و انحراف استاندارد سؤال‌های مربوطه به تفکیک شهر درج شده‌اند. سطح معنی‌داری نیز با استفاده از آزمون تک‌نمونه‌ای تی محاسبه شده است.

شیوه گردآوری داده‌ها: گردآوری داده‌ها با شیوه پیمایشی انجام گرفته و سعی شده است سؤال‌ها تا حد امکان برای شرکت‌کنندگان قابل فهم باشد. پرسش‌نامه اولیه پس از چندین بار اصلاح برای آزمایش پیلوت یا پیش‌نمونه آماری

جدول ۱. حجم نمونه مورد بررسی به تفکیک سن، جنسیت و شهر^۱

مجموع	۳۱ سال به بالا						۱۵ تا ۳۰		شهر
	۶۱ تا ۷۵		۴۶ تا ۶۰		۳۱ تا ۴۵		۱۵ تا ۳۰		
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱۰۲	۴	۶	۱۰	۹	۱۹	۱۰	۲۰	۲۴	شیراز
۹۳	۰	۰	۲	۰	۴	۴	۳۹	۴۴	مرودشت
۶۶	۰	۰	۴	۰	۵	۱	۲۷	۲۹	کازرون
۶۵	۰	۰	۱	۱	۳	۲	۳۰	۲۸	فسا
۱۰۲	۰	۰	۶	۱	۶	۳	۲۹	۵۷	چهرم
۶۲	۰	۱	۸	۳	۸	۱۵	۷	۲۰	سایر شهرها
۴۹۰	۴	۷	۳۱	۱۴	۴۵	۳۵	۱۵۲	۲۰۲	مجموع

جدول ۲. حجم نمونه مورد بررسی به تفکیک تحصیلات و شهر

بالاتر از دیپلم		دیپلم به پایین								گروه تحصیلی شهر
کارشناسی ارشد و بالاتر		کارشناسی		دیپلم		سیکل		بی‌سواد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۴/۷	۱۵	۵۰/۰	۵۱	۲۶/۵	۲۷	۸/۸	۹	۰/۰	۰	شیراز
۱/۲	۱	۳۳/۳	۳۱	۴۷/۳	۴۴	۱۸/۳	۱۷	۰/۰	۰	مرودشت
۴/۵	۳	۶۳/۶	۴۲	۱۹/۷	۱۳	۱۲/۱	۸	۰/۰	۰	کازرون
۹/۲	۶	۹/۲	۶	۵۶/۹	۳۷	۲۴/۶	۱۶	۰/۰	۰	فسا
۹/۸	۱۰	۲۱/۶	۲۲	۵۲/۰	۵۳	۱۵/۷	۱۶	۱/۰	۱	چهرم
۶/۵	۴	۲۱/۰	۱۳	۳۷/۱	۲۳	۳۳/۹	۲۱	۱/۶	۱	سایر شهرها
۸/۰	۳۹	۳۳/۷	۱۶۵	۴۰/۲	۱۹۷	۱۷/۸	۸۷	۰/۴	۲	مجموع

خود را ترجیح می‌دهند؛ اما گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا، بعد از گونه معیار، در محیط کار گونه شیرازی را مناسب‌تر می‌دانند.

در کوچه‌وبازار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال بیشتر از گروه ۳۰ سال به‌بالا با ۴۹ درصد و از گونه معیار و پس از آن هم از گونه محلی خود استفاده می‌کنند. گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا با اختلاف کمی اول گونه معیار و سپس گونه شیرازی و محلی را به‌یک‌میزان در گفت‌وگو با مردم کوچه‌وبازار به‌کار می‌برند.

در رسانه با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال بیش از گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا با ۷۱ درصد، در مصاحبه با شبکه سراسری و با ۵۹ درصد، در مصاحبه با شبکه فارس از گونه معیار استفاده می‌کنند. گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا بعد از گونه معیار در مصاحبه با شبکه سراسری با اختلاف کم و در مصاحبه با شبکه فارس با اختلاف زیاد به‌ترتیب گونه‌های شیرازی و محلی را ترجیح می‌دهند.

در گفتار افراد تحصیل‌کرده با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال با ۶۵ درصد و گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا با ۶۰/۲ درصد، معتقدند که افراد تحصیل‌کرده با گونه معیار گفت‌وگو می‌کنند. پس از آن گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال گونه محلی و گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا گونه شیرازی را انتخاب می‌کنند.

جنسیت: جدول‌های ۳۱ تا ۴۲ در مورد میزان کاربرد گونه‌های زبانی برحسب جنسیت، در حوزه‌های اجتماعی مورد بررسی برحسب جنسیت در پیوست ۱ و آزمون‌های مربوط به آن‌ها در جدول‌های ۱۹ تا ۳۰ در پیوست ۲ درج شده‌اند.

در محیط خانواده، ارتباط معنی‌داری با جنسیت حاصل نشده است، اما نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که در

یافته‌های پژوهش

بررسی متغیرهای اجتماعی بر کاربرد گونه‌های زبانی در حوزه‌های اجتماعی

سن: جدول‌های ۱۹ تا ۳۰ مربوط به میزان کاربرد گونه‌های زبانی برحسب دو گروه زبانی، در حوزه‌های اجتماعی برحسب سن در پیوست ۱ و آزمون‌های مربوط به آن‌ها نیز در جدول‌های ۷ تا ۱۸ در پیوست ۲ درج شده‌اند.

در محیط خانواده با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، بیش از ۶۳ درصد از افراد در گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال از گونه محلی شهر خود و پس از آن با ۲۷/۲ درصد از گونه معیار استفاده می‌کنند. گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا، با ۴۶/۴ درصد از گونه محلی و با ۳۶ درصد از گونه شیرازی در گفت‌وگو با افراد خانواده استفاده می‌کنند در مورد همسر و فرزندان برای کاربرد گونه‌های زبانی در رابطه با سن تفاوت معناداری به‌دست نیامده است.

در محیط آموزشی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال بیش از گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا در گفت‌وگو با همکلاسی‌ها و مدرسان خود به‌ترتیب با ۵۲ درصد و ۶۴ درصد، از گونه معیار استفاده می‌کنند و پس از آن هم گونه محلی را مناسب می‌دانند. در صورتی که گروه سنی ۳۰ سال به‌بالا، در محیط آموزشی، بعد از گونه معیار، گونه شیرازی را ترجیح می‌دهند.

در محیط کار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال در گفت‌وگو با همکاران و رؤسای خود بیش از گروه ۳۰ سال به‌بالا و به‌ترتیب با ۶۷/۵ درصد و ۷۴/۶ درصد، گونه معیار را به‌کار می‌برند و بعد از آن گونه محلی

محیط خانواده مردها بیش از زن‌ها از گونه محلی استفاده می‌کنند و در گفت‌وگو با فرزندان، ۴۴/۱ درصد از مردها گونه محلی را به کار می‌برند، ۴۳/۲ درصد از زن‌ها با فرزندان خود از گونه معیار استفاده می‌کنند.

در محیط آموزشی، سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ برای همکلاسی‌ها و ۰/۰۰۵ برای مدرسان به دست آمده. زن‌ها با ۵۹/۳ درصد از گونه معیار برای گفت‌وگو با همکلاسی‌های خود استفاده می‌کنند، در صورتی که ۴۱ درصد از مردها ترجیح می‌دهند با همکلاسی‌های خود با گونه محلی صحبت می‌کنند. در گفت‌وگو با مدرسان، زن‌ها با ۷۳ درصد و مردها با ۶۰/۳ درصد گونه معیار را به کار می‌برند.

در محیط کار، زن‌ها بیش از مردها از گونه معیار برای گفت‌وگو با همکاران و رؤسا استفاده می‌کنند. در گفت‌وگو با همکاران ۷۱ درصد زن‌ها و با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ و در گفت‌وگو با رؤسا ۷۴/۴ درصد از زن‌ها و با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۸ از گونه معیار استفاده می‌کنند.

در کوچه‌وبازار، ارتباط معناداری بین جنسیت و گونه معیار وجود دارد که ۰/۰۰۷ است. در حالی که ۶۱ درصد از زن‌ها در گفت‌وگو با مردم کوچه‌وبازار، گونه معیار را مناسب‌تر می‌دانند، اما ۴۸/۷ درصد مردها از گونه محلی برای صحبت با مردم استفاده می‌کنند. کاربرد گونه شیرازی به میزان کم و با سطح معنی‌داری ۰/۰۵۲ نشان‌دهنده این است که افراد علاقه‌ای به استفاده از گونه شیرازی ندارند.

در رسانه، سطح معنی‌داری را فقط برای کاربرد گونه شیرازی با ۰/۰۱۱ داریم و بعد از گونه معیار، شرکت‌کنندگان ترجیح می‌دهند در مصاحبه با شبکه فارس از گونه شیرازی استفاده کنند.

در گفتار افراد تحصیل کرده نیز ارتباط معناداری دیده نشده است و بازهم زن‌ها با درصد بالاتری نسبت به مردها معتقدند که افراد تحصیل کرده در گفتار خود گونه معیار را به کار می‌برند.

تحصیلات: جدول‌های ۴۳ تا ۵۴، مربوط به میزان کاربرد گونه‌های زبانی برحسب دو گروه تحصیلی، در حوزه‌های اجتماعی مورد بررسی در پیوست ۱ و آزمون‌های آن‌ها در جدول‌های ۳۱ تا ۴۲ در پیوست ۲ درج شده‌اند.

در محیط خانواده با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، هر دو گروه تحصیلی گونه محلی را به کار می‌برند؛ اما گروه اول با ۶۳/۶ درصد در گفت‌وگو با والدین و با ۶۳/۷ درصد در

گفت‌وگو با خواهرها و برادرها بیش از گروه تحصیلی دوم از گونه محلی استفاده می‌کنند. در گفت‌وگو با همسر با سطح معنی‌داری ۰/۰۲۲، گروه اول با ۵۲/۳ درصد بیش از گروه دوم با گونه محلی صحبت می‌کنند و پس از آن گونه معیار کاربرد بیشتری دارد. در گفت‌وگو با فرزندان فقط کاربرد گونه محلی دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۴۴ است و گروه اول با ۴۴/۳ درصد آن را به کار می‌برند، اما گروه دوم با فرزندان با ۴۷/۵ درصد با گونه معیار صحبت می‌کنند، اما سطح معنی‌داری آن بیش از ۰/۰۵ است و تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

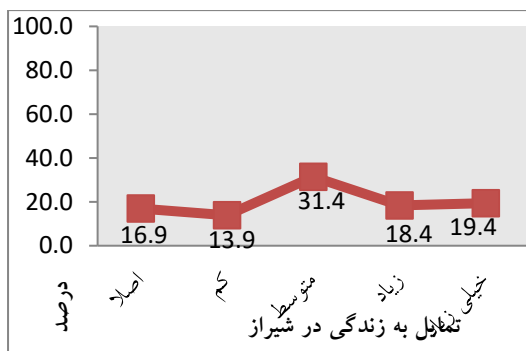
در محیط آموزشی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه دوم در گفت‌وگو با همکلاسی‌های خود، بیش از گروه اول از گونه معیار استفاده می‌کنند در حالی که گروه اول با اختلاف کمی و با ۴۲/۷ درصد گونه معیار و با ۴۰/۲ درصد گونه محلی را برای صحبت با همکلاسی‌هایشان به کار می‌برند. با مدرسان هم، گروه دوم بیش از گروه اول و با ۷۴/۵ درصد گونه معیار را به کار می‌برند.

در محیط کار، در گفت‌وگو با همکاران با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، گروه دوم با ۶۷/۶ درصد بیش از گروه تحصیلی اول از گونه معیار استفاده می‌کنند؛ اما در گفت‌وگو با رؤسا فقط کاربرد گونه معیار دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ است و باز هم گروه دوم با ۷۷/۵ درصد بیش از گروه اول گونه معیار را به کار می‌برد. در ضمن گروه دوم بعد از گونه معیار در محیط کار گونه شیرازی را مناسب‌تر از گونه محلی می‌دانند.

در کوچه‌وبازار، کاربرد دو گونه معیار و محلی دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ هستند. گروه اول با ۴۳ درصد گونه محلی و گروه دوم با ۵۰ درصد گونه معیار را انتخاب می‌کنند. گونه شیرازی درصد پایین را به خود اختصاص داده است، اما باتوجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳، نتیجه می‌گیریم که گونه شیرازی در گفت‌وگو با مردم کوچه و بازار بین دو گروه تحصیلی دارای تفاوت معناداری است و گروه دوم بیشتر از گروه اول از گونه شیرازی استفاده می‌کند.

در رسانه، در مصاحبه با شبکه سراسری فقط کاربرد گونه معیار دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ است و گروه تحصیلی دوم با ۷۸ درصد بیش از گروه تحصیلی اول از گونه معیار استفاده می‌کند. در مصاحبه با شبکه فارس کاربرد دو گونه معیار و شیرازی دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ هستند اما هر دو گروه بیشتر از گونه معیار استفاده می‌کنند و گروه

حد متوسط و تا حدودی مثبت ارزیابی می‌شود (نمودار ۲).



نمودار ۲. درصد تمایل شرکت‌کنندگان به زندگی در شیراز

برای آنکه بفهمیم افراد تا چه حد زندگی در شیراز را به شهر خود ترجیح می‌دهند، به تفکیک شهر، از آزمون تی استیودنت استفاده شده است. مشارکان شهر مرودشت و پس از آن هم شیراز و کازرون با بیشترین میزان میانگین، تمایل بیشتر از حد متوسط برای زندگی در شیراز نشان می‌دهند. باتوجه به تعداد افراد مورد مطالعه و انحراف استاندارد، برای محاسبه تمایل مشارکان به زندگی در شهر شیراز از آزمون تی ای تک نمونه‌ای (جدول ۳) استفاده شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی تمایل شرکت‌کنندگان به زندگی در شیراز به تفکیک شهر

شهر	آمار توصیفی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شیراز	۱۰۲	۳/۲۹	۱/۰۸۶	
مرودشت	۹۳	۳/۳۵	۱/۳۳۲	
کازرون	۶۶	۳/۲۰	۱/۲۳۱	
فسا	۶۵	۲/۸۹	۱/۴۲۷	
جهرم	۱۰۲	۲/۸۷	۱/۳۰۲	
سایر شهرها	۶۲	۲/۸۴	۱/۶۲۲	
کلی	۴۹۰	۳/۰۹	۱/۳۳	

مقدار سطح معنی‌داری (جدول ۲) فقط برای شهرهای شیراز و مرودشت کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین افراد ساکن در این شهرها در حد بیش از متوسط برای زندگی در شیراز تمایل دارند؛ اما برای کل افراد مورد مطالعه در شهرهای دیگر، مقدار سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین افراد ساکن در بقیه شهرها در حد متوسط تمایل دارند به‌جای شهر خود در شیراز زندگی کنند.

دوم با ۶۵/۷ درصد، بیش از گروه اول از این گونه زبانی استفاده می‌کند.

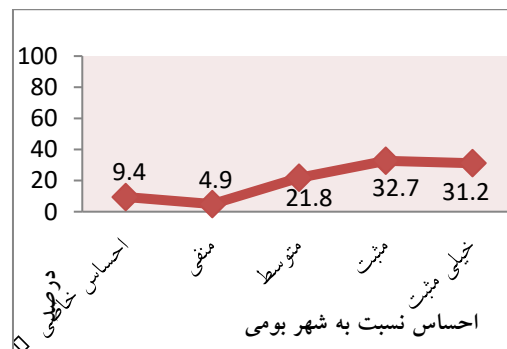
در گفتار افراد تحصیل کرده، کاربرد همه گونه‌ها دارای سطح معنی‌داری است اما گروه دوم با ۶۷/۶ درصد بیش از گروه اول معتقدند که افراد تحصیل کرده از گونه معیار استفاده می‌کنند.

بررسی احساس وفاداری شرکت‌کنندگان

در این پژوهش، میزان وفاداری شرکت‌کنندگان نسبت به گونه محلی‌شان از طریق ارزیابی میزان احساسات و تمایلات افراد نسبت به شهر و گونه زبانی بومی‌شان، میزان تمایل آن‌ها برای زندگی کردن در شیراز یا تهران، چگونگی احساس آن‌ها نسبت به همشهری‌هایشان که به شیراز یا تهران مهاجرت کرده‌اند بررسی شود.

احساس به شهر بومی خود

احساس افراد شرکت‌کننده نسبت به شهر بومی‌شان با استفاده از پرسشی پنج‌گزینه‌ای ارزیابی شده است. گزینه «مثبت» با ۳۲/۷ درصد دارای بیشترین فراوانی است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که گویشوران استان فارس نسبت به شهر بومی‌شان گرایش بسیار مساعدی دارند. اگر گزینه «نظر خاصی ندارم» را نادیده بگیریم، روند مثبت میزان احساسات به شهر بومی را می‌توان در نمودار خطی ۱ مشاهده کرد.



نمودار ۱. درصد احساس شرکت‌کنندگان نسبت به شهر بومی خود

تمایل به زندگی در شیراز

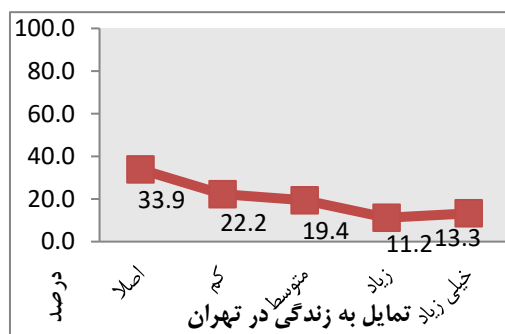
ارزیابی تمایل شرکت‌کنندگان برای زندگی در شیراز به عنوان مرکز استان به نسبت شهر بومی‌شان در نمودار ۲ نشان داده شده است. گزینه «متوسط» بیشترین میزان را با فراوانی ۱۵۴ نفر یا ۳۱/۴ درصد دارد. بنابراین به نظر می‌رسد تمایل افراد برای زندگی کردن در شیراز نسبت به شهر بومی خود در

جدول ۴. میزان سطح معنی‌داری تمایل به زندگی در شیراز به تفکیک شهر

شهر	مقدار ملاک = ۳		
	مقدار ۱	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
شیراز	۲/۷۳۵	۱۰۱	۰/۰۰۷
مرودشت	۲/۵۶۹	۹۲	۰/۰۱۲
کازرون	۱/۳۰۰	۶۵	۰/۱۹۸
فسا	-۰/۶۰۹	۶۴	۰/۵۴۵
چهرم	-۰/۹۸۸	۱۰۱	۰/۳۲۵
سایر شهرها	-۰/۷۸۳	۶۱	۰/۴۳۷
کلی	۱/۵۶۲	۴۸۹	۰/۱۱۹

تمایل به زندگی در تهران

براساس نمودار ۲، روند تمایل به زندگی در تهران به سمت منفی گرایش دارد. ۱۶۶ نفر یا ۳۳/۹ درصد از افراد گزینه «اصلاً» و پس از آن هم گزینه «خیلی کم» با ۱۰۹ نفر یا ۲۲/۲ درصد را انتخاب کرده‌اند؛ بنابراین، اغلب افراد برای زندگی کردن در تهران به نسبت شهر محلی خود رغبت چندانی ندارند.



نمودار ۳. درصد تمایل شرکت‌کنندگان به زندگی در تهران

نتیجه آزمون تی استیودنت (جدول ۵) نشان می‌دهد که شهر کازرون بیشترین میزان میانگین را در میان شهرها دارد، بنابراین مردم این شهر بیش از مردم دیگر شهرها و در حد متوسط تمایل دارند که در شهر تهران زندگی کنند.

جدول ۵. آمار توصیفی تمایل شرکت‌کنندگان به زندگی در تهران به تفکیک شهر

شهر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شیراز	۱۰۲	۲/۲۵	۱/۲۰۶
مرودشت	۹۳	۲/۶۶	۱/۵۵۰
کازرون	۶۶	۲/۷۶	۱/۳۹۳
فسا	۶۵	۲/۶۰	۱/۴۹۸
چهرم	۱۰۲	۲/۵۸	۱/۲۸۵
سایر شهرها	۶۲	۲/۰۰	۱/۴۰۳
کلی	۴۹۰	۲/۴۸	۱/۳۹

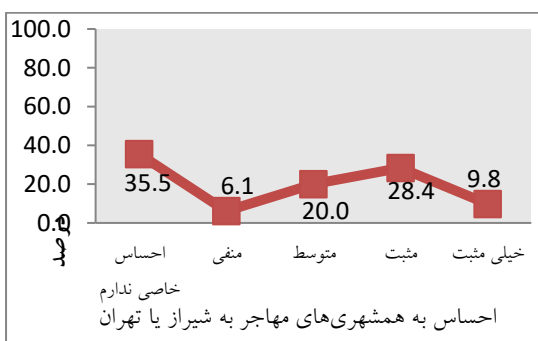
اما نتیجه آزمون تی تک‌نمونه‌ای (جدول ۶) بیانگر مقدار سطح معنی‌داری برای همه شهرها به جز کازرون، کمتر از ۰/۰۵ است و افراد ساکن در این شهرها هم در حد متوسط به پایین تمایل دارند که به جای شهر خود در تهران زندگی کنند.

جدول ۶. میزان سطح معنی‌داری تمایل به زندگی در تهران به تفکیک شهر

شهر	مقدار ملاک = ۳		
	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
شیراز	-۶/۳۲۲	۱۰۱	۰/۰۰۱
مرودشت	-۲/۱۴۱	۹۲	۰/۰۳۵
کازرون	-۱/۴۱۴	۶۵	۰/۱۶۲
فسا	-۲/۱۵۳	۶۴	۰/۰۳۵
چهرم	-۳/۳۱۲	۱۰۱	۰/۰۰۱
سایر شهرها	-۵/۶۱۴	۶۱	۰/۰۰۱
کلی	-۸/۲۷۹	۴۸۹	۰/۰۰۱

احساس به همشهری‌های مهاجر به شیراز یا تهران

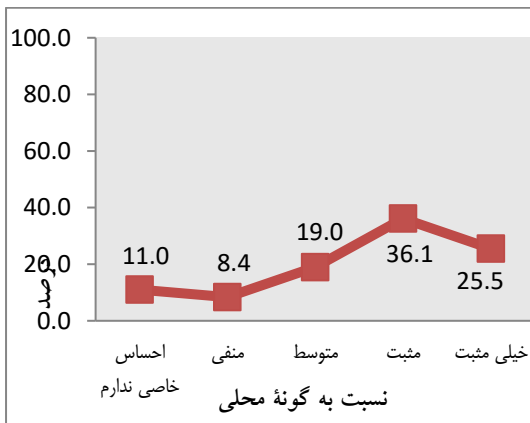
نمودار ۴ نشان می‌دهد که گزینه «نظر خاصی ندارم» و پس از آن گزینه «مثبت» به ترتیب توسط ۱۷۴ نفر یا ۳۵/۵ درصد و ۱۳۹ نفر یا ۲۸/۴ درصد از مشارکان انتخاب شده‌اند. از میان شرکت‌کنندگان تنها ۳۰ نفر یا ۶/۱ درصد گزینه «منفی» را برگزیده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که بقیه افراد نسبت به همشهری‌هایشان که به شهرهای شیراز یا تهران مهاجرت کرده‌اند، یا نظری ندارند یا نظرشان نسبت به آن‌ها در حد متوسط و مثبت است.



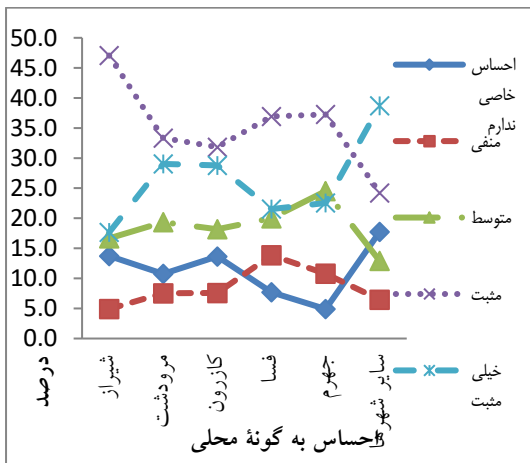
نمودار ۴. درصد احساس شرکت‌کنندگان به همشهری‌های مهاجر به شیراز و تهران

اما آزمون تی استیودنت (جدول ۷)، تمایل مشارکان نسبت به همشهری‌های مهاجرشان را زیر سطح میانگین

در مرودشت گزینه‌های «مثبت»، ۳۳/۳ درصد و «خیلی مثبت»، ۲۹ درصد، در کازرون، گزینه‌های «مثبت»، ۳۱/۸ درصد و «خیلی مثبت»، ۲۸/۸ درصد، در فسا گزینه «مثبت»، با ۳۶/۹ درصد، در چهارم گزینه «مثبت»، با ۳۷/۳ درصد نظر مساعد خود را نسبت به گونه زبانی شهرشان نشان داده‌اند. در سایر شهرها هم گزینه «خیلی مثبت»، با ۳۸.۷ درصد بالاترین فراوانی را دارد.



نمودار ۵. درصد احساس شرکت‌کنندگان به گونه محلی خود



نمودار ۶ الف. درصد احساس شرکت‌کنندگان به گونه محلی خود به تفکیک شهرهای محل سکونت

براساس نمودار خطی ۶ الف و نمودار میله‌ای ۶ ب، گویشوران شیرازی بیشتر از شهرهای دیگر نسبت به گونه خود احساس مثبت دارند و پس از شیراز هم چهارم، فسا، مرودشت و کازرون قرار دارند. سایر شهرها هم با انتخاب گزینه «خیلی مثبت» تعلق و همبستگی خود را به گونه محلی‌شان نشان می‌دهند.

نشان می‌دهد. نتایج سطح معنی‌داری (جدول ۸)، به جز دو شهر کازرون و چهارم، برای دیگر شهرها کمتر از ۰/۰۵ است و چون میانگین در شهرهای شیراز، مرودشت، فسا و سایر شهرها کمتر از ۳ است، بنابراین احساس افراد ساکن در این شهرها نسبت به همشهری‌های مهاجرشان به شیراز و تهران در حد متوسط به پایین است.

جدول ۷. آمار توصیفی احساس شرکت‌کنندگان به همشهری‌های مهاجر به شیراز یا تهران به تفکیک شهر

شهر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شیراز	۱۰۲	۲/۶۱	۱/۷۰۱
مرودشت	۹۳	۲/۵۸	۱/۴۳۲
کازرون	۶۶	۳/۲۳	۱/۴۱۲
فسا	۶۵	۲/۵۷	۱/۴۵۷
چهرم	۱۰۲	۲/۵۸	۱/۳۶۳
سایر شهرها	۶۲	۲/۹۴	۱/۵۹۷
کلی	۴۹۰	۲/۷۳	۱/۵۱

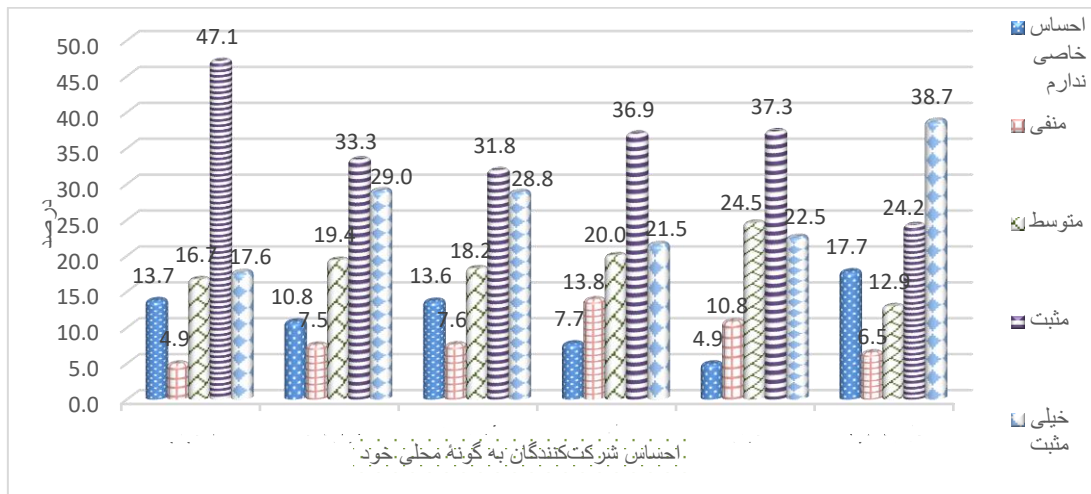
جدول ۸. میزان سطح معنی‌داری احساس به همشهری‌های مهاجر به شیراز یا تهران به تفکیک شهر

شهر	مقدار ملاک=۳		
	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
شیراز	-۲/۳۲۸	۱۰۱	۰/۰۲۲
مرودشت	-۲/۸۳۴	۹۲	۰/۰۰۶
کازرون	-۱/۳۰۸	۶۵	۰/۱۹۶
فسا	-۲/۳۸۳	۶۴	۰/۰۲۰
چهرم	-۰/۴۳۶	۱۰۱	۰/۶۶۴
سایر شهرها	-۲/۷۶۸	۶۱	۰/۰۰۷
کلی	-۸/۹۶۸	۴۸۹	۰/۰۰۱

احساس به گونه محلی

برای ارزیابی احساس افراد نسبت به گونه محلی‌شان، از پرسشی پنج‌گزینه‌ای استفاده شده است. نمودار ۵ نشان می‌دهد که گزینه «مثبت» با فراوانی ۱۷۷ نفر یا ۳۶/۱ درصد و پس از آن گزینه «خیلی مثبت» با فراوانی ۱۲۵ نفر یا ۲۵/۵ درصد بالاترین میزان را در میان گویشوران استان فارس دارد.

نمودارهای ۶ الف و ۶ ب احساس شرکت‌کنندگان را نسبت به گونه محلی خود به تفکیک شهر نشان می‌دهند. گویشوران شیرازی با انتخاب گزینه «مثبت»، با ۴۷/۱ درصد،



نمودار ۶ ب. درصد احساس شرکت‌کنندگان به گونه محلی خود به تفکیک شهرهای محل سکونت

محاسبه میانگین و انحراف استاندارد (جدول ۹)، در دو شهر مرودشت و جهرم بیشترین و در شیراز کمترین است. نشان می‌دهد که میزان میانگین احساس به گونه محلی

جدول ۹. آمار توصیفی احساس شرکت‌کنندگان به گونه محلی‌شان به تفکیک شهر

شهر	آمار توصیفی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شیراز	۱۰۲	۳/۵۰	۱/۲۴۱	
مرودشت	۹۲	۳/۶۲	۱/۲۷۶	
کازرون	۶۶	۳/۵۵	۱/۳۴۹	
فسا	۶۵	۳/۵۱	۱/۲۰۱	
جهرم	۱۰۲	۳/۶۲	۱/۰۹۹	
سایر شهرها	۶۲	۳/۶۰	۱/۴۹۸	
کلی	۴۹۰	۳/۵۷	۱/۲۶	

نتایج آزمون تی باتوجه به درجه آزادی نشان می‌دهند که سطح معنی‌داری (جدول ۱۰)، برای همه شهرهای مورد مطالعه کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین احساس افراد ساکن در تمامی این شهرها نسبت به گونه محلی خود در حد متوسط به بالا است و نظر نسبتاً خوبی نسبت به گونه زبانی شهر خود دارند.

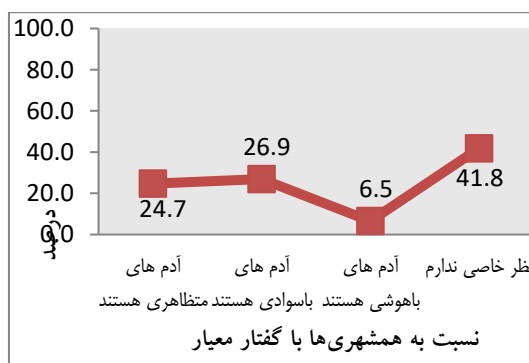
جدول ۱۰. میزان سطح معنی‌داری احساس به گونه محلی به تفکیک شهر

شهر	آزمون تی			مقدار ملاک = ۳	
	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	مقدار تی	درجه آزادی
شیراز	-۴/۰۷۰	۱۰۱	۰/۰۰۱		
مرودشت	۴/۷۱۳	۹۲	۰/۰۰۱		
کازرون	۳/۲۸۴	۶۵	۰/۰۰۲		
فسا	۳/۴۰۹	۶۴	۰/۰۰۱		
جهرم	۵/۶۷۴	۱۰۱	۰/۰۰۱		
سایر شهرها	-۲/۷۶۸	۶۱	۰/۰۰۳		
کلی	۹/۹۶۸	۴۸۹	۰/۰۰۱		

حوزه زمان ظاهری^۲ صورت گرفته‌اند، متغیر سن را عاملی مهم در تغییرات زبانی در نظر می‌گیرد. گفتار گویندگان جوان با گفتار بزرگسالان متفاوت است زیرا بزرگسالان از گفتاری استفاده می‌کنند که هنگام جوانی به کار می‌برده‌اند و مناسب با سن و سالشان از کاربرد برخی ویژگی‌ها خودداری می‌کرده‌اند، بنابراین گفتاری که امروز جوانان به کار می‌برند، بیانگر تغییرات زبانی در حال گسترش است. هر دو گروه سنی، به‌استثنا محیط خانواده، در تمامی حوزه‌های مورد بررسی، به‌کارگیری گونه معیار را ترجیح می‌دهند. در واقع، اگر گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال را بزرگسالان جوان و گروه سنی ۳۰ سال به بالا را بزرگسالان در نظر بگیریم، نتایج به‌دست‌آمده همسو با چیمبرز^۳ (۲۰۰۳، ۱۹۵)، بزرگسالان جوان را نمایندگان دوره‌ای می‌داند که کاربرد گونه معیار افزایش می‌یابد. این بزرگسالان جوان که به‌نوعی با دیگر بزرگسالان متفاوت‌اند و به‌طور معمول هم با نوجوانان در تضاد هستند، دوره مهمی از زندگی را نمایندگی می‌کنند که در آن معیارشدگی افزایش می‌یابد. در مورد گروه سنی ۳۰ سال به بالا به نظر می‌رسد، مطابق نظر هلمز^۴ (۱۹۹۲: ۱۸۶)، استفاده از صورت‌های معیار در سال‌های میانی عمر به بالاترین حد خود می‌رسد چون فرد باید خود را با بیشترین فشارهای اجتماعی تطبیق دهد. در مورد کاربرد گونه شیرازی هم باید گفت که در شهرهای مورد مطالعه در استان این گونه زبانی جایگاهی نزد بزرگسالان جوان ندارد و آن‌ها گونه محلی خود را به گونه شیرازی ترجیح می‌دهند؛ اما برای افراد بزرگسال گونه شیرازی از گونه محلی‌شان دارای اعتبار بیشتری است. نتایج به‌دست‌آمده باتوجه‌به ارتباط معناداری، در محیط خانواده نشان می‌دهند که هر دو گروه سنی در گفت‌وگو با والدین، خواهرها و برادرها، گونه محلی شهر خود را ترجیح می‌دهند، همان‌طور که لباو (۲۰۱۰: ۱۸۵) هويت محلی را عاملی معنادار در ایجاد انگیزه برای تغییرات زبانی در نظر می‌گیرد؛ بنابراین بین هويت محلی و تغییرات زبانی همبستگی وجود دارد. در صورتی که در محیط آموزشی، در محیط کار، در گفت‌وگو با مردم کوچه و بازار، در مصاحبه با رسانه، هم با شبکه سراسری و هم با شبکه فارس، همچنین در گفتار افراد تحصیل‌کرده،

احساس به همشهری‌ها با گفتار معیار

از افراد شرکت‌کننده با سؤالی چهارگزینه‌ای پرسیده شده است که نسبت به همشهری‌هایشان که به‌جای گونه محلی در گفتار خود از گونه معیار استفاده می‌کنند، چه احساسی دارند. از مجموع افراد پاسخ‌دهنده ۴۱/۸ درصد گزینه «نظر خاصی ندارم» را انتخاب کردند، گزینه‌های بعدی به ترتیب «آدم‌های باسوادی هستند» با ۲۶/۹ درصد و «آدم‌های متظاهری هستند» با ۲۴/۷ درصد قرار دارند (نمودار ۷). اگر گزینه «نظر خاصی ندارم» را کنار بگذاریم، پاسخ‌دهندگان افرادی را که با فارسی معیار صحبت می‌کنند، به ترتیب باسواد و سپس متظاهر ارزیابی می‌کنند.



نمودار ۷. درصد احساس شرکت‌کنندگان به همشهری‌ها با گفتار معیار

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهند که در حوزه‌های گوناگون اجتماعی و براساس متغیرهای مستقل سن، جنسیت، تحصیلات و شهر محل سکونت، جایگاه اجتماعی گونه شیرازی و دیگرگونه‌های محلی به‌طور گسترده منحصر به بافت همان شهرها و موقعیت‌های کمتر رسمی است، در صورتی که گونه معیار در مقام زبان رسمی کشور دارای جایگاه قدرتمندی است، چنانکه همسو با نظر هلیدی^۱ (۱۹۷۸)، گونه معیار معتبرترین گونه و همسنگ زبان است. در حالی که زبان، در مقام نهاد، شامل همه گونه‌های محلی، اجتماعی و لهجه‌هاست که هر یک گونه زبانی مستقلی است؛ همچنین با این نظر ترادگیل (۱۹۸۳) همخوانی دارد که تمایل گسترده همواره به سمت استفاده از الگوی زبانی‌ای است که به تصور عامه مطابق با گونه معیار است. یافته‌های این تحقیق در تأیید پژوهش‌هایی که در

2. apparent time
3. J. Chambers
4. H. Holmes

1. M. A. K. Halliday

نتایج به‌دست‌آمده همبستگی مثبتی را در استفاده از گونه‌های معیار و غیرمعیار نشان می‌دهند. گروه‌های تحصیلی بالاتر از دیپلم فقط گونه محلی خود را در گفت‌وگو با والدین، خواهر و برادرها و همسر خود به‌کار می‌برند، حتی با فرزندان خود ترجیح می‌دهند از گونه معیار استفاده کنند که می‌توان این امر را در تأیید گفته مدرسی (۱۳۸۷: ۱۹۷) دانست که «... گویندگان تحصیل‌کرده پیوستار زبانی گسترده‌تری را در اختیار دارند و می‌توانند در هر موقعیت، گونه مناسب را انتخاب کنند و به‌کار گیرند؛ اما گروه تحصیلی دیپلم به‌پایین، در همه حوزه‌های اجتماعی موردبررسی، فقط در موقعیت‌های خیلی رسمی از گونه معیار استفاده می‌کنند. گویشوران بالاتر از دیپلم، البته با فاصله زیاد، بعد از گونه معیار، استفاده از گونه شیرازی را بیشتر از گونه محلی خود ترجیح می‌دهند.

نتایج بررسی‌ها در مورد احساس وفاداری مشارکان، که به نظر کالمس^۳ (۲۰۰۵: ۱۷۸) بخش متغیر هر فرهنگ زبانی است، نیز حاکی از آن است که افراد نسبت به شهر بومی‌شان احساس مثبتی دارند، برای زندگی در شیراز به میزان متوسط تمایل نشان می‌دهند، اما برای زندگی در تهران اصلاً تمایلی ندارند. اغلب افراد نسبت به همشهری‌هایشان که به شیراز یا تهران مهاجرت کرده‌اند، نظر خاصی ندارند. گونه محلی خود را مثبت ارزیابی می‌کنند و نسبت به همشهری‌هایشان که با گونه معیار گفت‌وگو می‌کنند، نظر خاصی ندارند.

در هر دو گروه سنی، زبان معیار گونه غالب زبانی است. نتایج بررسی‌ها برای دو گروه جنسیتی، ارتباط معناداری در محیط خانواده و در گفتار افراد تحصیل‌کرده نشان نمی‌دهند؛ اما در حوزه‌های دیگر با توجه به ارتباط معناداری، هر دو گروه، گونه معیار را با درصد بالاتری بکار می‌برند، به‌جز اینکه مردها در گفت‌وگو با همکلاسی‌های خود بیشتر از گونه محلی شهرشان استفاده می‌کنند. در گفت‌وگو با مردم کوچه‌وبازار، زن‌ها گونه معیار و مردها گونه محلی را انتخاب می‌کنند. در محیط کار و مصاحبه با رسانه هم برای هر دو گروه، زبان معیار گونه غالب است. این نتایج در راستای تحقیقات ترادگیل (۱۹۷۴) است که مردها فارغ از طبقه اجتماعی‌شان مایل‌اند از تلفظی استفاده کنند که به گونه محلی نزدیک‌تر است. و همسو با یافته‌های رومین^۱ (۲۰۰۳: ۱۰۴) است که زن‌ها از زبان به‌عنوان ابزاری برای به‌دست‌آوردن جایگاهی که همواره در جامعه از آن‌ها دریغ شده است، استفاده می‌کنند. همچنین نظر میرهاف^۲ (۲۰۰۶: ۲۰۱) را تأیید می‌کند که زن‌ها نسبت به آنچه معیار و غیرمعیار نامیده می‌شود، حساس هستند؛ بنابراین، در راستای نظر ترادگیل (۱۹۷۴)، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که مردها برای آنچه انجام می‌دهند و زن‌ها برای آن گونه که به‌نظر می‌آیند، ارزیابی و قضاوت می‌شوند. در نتیجه زن‌ها گونه معیار را برای هر موقعیت و شرایطی مناسب‌تر می‌دانند. در مورد تحصیلات، با توجه به وجود ارتباط معناداری،

منابع

استان فارس: پژوهشی اجتماعی-شناختی. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره دوم، شماره اول: ۲۲-۵۰.
زندى، بهمن و بهزاد احمدی (۱۳۹۵). نام‌شناسی اجتماعی- شناختی: حوزه نوین مطالعات میان‌رشته‌ای. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره نهم، شماره ۱: ۹۹-۱۲۷.
زندى، بهمن، مسعود بحرینی، مهدی سبزواری و راضیه مهدی بیرقدار (۱۳۹۷). بررسی اجتماعی-شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی. *جستارهای زبانی*. دوره ۹، شماره ۶: ۳۱۷-۳۳۴.

بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۷). تحلیلی اجتماعی-شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران. *فصلنامه زبان‌پژوهی*. دوره ۱۰، شماره ۲۷: ۱۱۹-۱۴۵.
دبیرمقدم، محمد، فاطمه یوسفی‌راد، ویدا شقاقی و سید محمود متشرعی (۱۳۹۷). زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره دوم، شماره دوم: ۲۰-۲۹.
مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
مدرسی، یحیی و شراره مظفری (۱۳۷۹). تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در

- Berthele, R. (2010). Investigations into the Folk's Mental Models of Linguistic Varieties, In: D. Geeraerts & J. R. Taylor (Eds.) *Advances in Cognitive Sociolinguistics: Cognitive Linguistics Research*. pp. 265-290. The Gruyter Mouton.
- Chambers, J. K. (2003). *Sociolinguistic Theory: Linguistic Variation and its Social Significance*. 2nd edn. Oxford: Blackwell.
- Coulmass, Florian. (2005). *Sociolinguistics: The study of speakers' choices*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eckert, P. (2012). Three Waves of Variation Study: The Emergence of Meaning in the Study of Sociolinguistic Variation. *Annual Review of Anthropology*. 41: 87-100.
- Fishman, J. (1972a). *Language in Sociocultural Change*. Essays by Joshua A. Fishman. Stanford: Stanford University Press.
- Geeraerts, D. (2001). On Measuring Lexical Convergence. In Augusto Soares da Silva (ed.), *Linguagem e Cognicao* (pp. 51-61). Braga: Associacao Portuguesa de Linguistica.
- Geeraerts, D. and G. Kristiansen. (2014). Cognitive Linguistics and Language Variation. In: Jeannette Littlemore & John Taylor, *Companion to Cognitive Linguistics* (pp. 202-217). Bloomsbury Publishing.
- Halliday, M. A. K. (1978). *Language as a Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*. Baltimore, MA: University Park Press.
- Holmes, J. (1992). *Introduction to Sociolinguistics*. London: Longman.
- Hudson, R. A. (.1996). *Sociolinguistics* (2nd edn). Cambridge: Cambridge University
- Kristiansen, G. (2003). How to do things with allophones: Linguistic stereotypes as cognitive reference points in social cognition. In: *Cognitive Models in Language and Thought*, CLR 24, René Dirven, Roslyn M. Frank, and Martin Pütz (eds.). (pp. 69-120). Berlin /New York: Mouton de Gruyter.
- Kristiansen, Gitte. (2008). Style-shifting and Shifting Styles; a Sociocognitive approach to lectal variation. In *Cognitive Sociolinguistics: Language Variation, Cultural Models, Social Systems*. CLR 39. Gitte Kristiansen and Rene Dirven (eds.) (pp. 45-88). Berlin / New York: Mouton de Gruyter.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washington, DC: Centre for Applied Linguistics.
- Labov, W. (1984). Field Method of the Project on Linguistic Change and Variation. In: J. Baugh & J. Sherzer (eds.), *Language in Use*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Labov, W. (2010). *Principles of Linguistic Change III: Cognitive and Cultural Factor*. Wiley- Blackwell.
- Langacker, R. W. (1999). A dynamic usage-based model. In: Ronald W. Langacker, *Grammar and Conceptualization*. (pp. 91-145). Berlin /New York: Mouton de Gruyter.
- Meyerhoff, M. (2006). *Introducing Sociolinguistics*. London: Routledge.
- Romaine, Suzanne. (2003). *Language Anthropology: Language and Gender*. Encyclopedia of Life Support System (ELOSS).
- Trudgill, P. (1974). *The Social Differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trudgill, P. (1983). *On Dialect. Social and Geographical Perspective*. Oxford